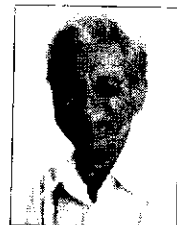


ناصر خسرو در دایره دیوان و ایمان



دکتر کاظم ودیمی

او همیشه تحمیل نمی شوند بلکه غالباً آنها را انتخاب می کند. در نگاه به زمین و زمان و ملل و نحل رجعتی ذهنی دارد به فرهنگ و تمدن بین النهرینی که ریشه در نیروهای ماوراء طبیعت و لاجرم ماسوی اله نیز دارد. او غرق خرافات منجمان و ستاره بازان عهد اولیه تمدن بین النهرین نیست ولی حساب و کتاب را از آنها و قدرت غالب را از باورهای دینی می گیرد. کشش او به فرهنگ پارسی و دستاوردهای ملوک این سرزمین های وسیع که در تصرف آنها بود ثابت و لایتغیر است. شیفتگی او به خراسان (منهای دلزدگی او از خراسانیان شعر فروش که عمر ظل الله را به هزار سال آرزو می کردند) و نیز ارادت او به فرهنگ بین النهرین و تمدن پشت آن، حتمی در حد ایمان و ایقان بود.

ناصر خسرو را معانقتی است با جغرافیا ولی خلاف بعضی نویسندگان، نخستین جغرافی نویسی نبود به خصوص که کمترین یادی از جغرافی نویسان ندارد. او به حق ضابط اعداد، ناقل اطلاعات لازم دیوان است. قبول قدرت سلطانی به عهد او قبولی همگانی است پس سعی او در ارزیابی قدرت زراعی و برکت و توسعه تجارت و صنایع یدی (که ضابطه تأمین قشون و نفر آن و برآورد مالیات و باج و خراج است) می باشد. او به سیمای زمین و سرزمین ها از دید سوق الجیشی نمی نگرد مگر به استثناء و به تصادف. یعنی که با جغرافیای نظامی که به عهد پارت ها و قبل آن اسکندر رونق داشت و ضرور دیوان بود نمی اندیشید. به عکس در شکل حکومت های محلی (ولی مقاوم در برابر قدرت خلفا) مستغرق و محدود است و جهانگشایی را نهاده و در اندیشه جهاننداری واقعی است.

ناصر خسرو کارشناس دیوان است. او کلیه اطلاعات لازمه را از بنیه اقتصادی و کسب و کار دیگران ضبط می کند. طول و عرض شهرها و آبادیها و میزان نفوس و عدد قشون و قوت صنایع و کشش بازارهای تجارتنی و درجه عظمت دربارها و مجلس اعیان و اشراف و محضر بزرگان صاحب نفوذ را با گام خودگامی و با مقیاس های رایج محل و مقایسه با دینارهای محلی با دینارهای خراسانی می سنجد. گاهی پیشه و راست و برای معونت از کار یدی ابا ندارد. اگر کتابهای او را نخرند به رنگ آمیزی و نقاشی و طراحی دیوار مسجد می پردازد تا عزت نفس خود را حفظ کند و پروا به بدی و تخلف نکند. شرح بغداد، طرابلس، بیروت، بیت المقدس و قاهره او بهانه کسب اطلاعات دست اول است که اسفا ارقام و اعداد آن همیشه قابل استناد نیست ولی کسی

ناصر خسرو مردی بود در خدمت دیوان. مشارکت و مباشرت او در امور مالی و اعمال سلطانی با آموخته های او از علوم معمول زمان او مطابقت داشت. پس ابواب ترقی بر او باز بود. علم حساب و ادب پارسی را دو ابزار می دانست که براساس آن دوام رفعت دیوانی را تضمین و توسعه و قدرت دیوان و ملکداری را تأمین بدارد. این قدرت دیوانی اشرافی دارد بر توابع آن که دقت کلمه و ظرافت عمل عاملان، سیمایی قابل قبول از قدرت حاکم به دست مردمان می دهد. ناصر خسرو به دقت در اعداد و ارقام و ظرافت در انتخاب واژه ها مجهز بود پس دبیری مشهور بود و لازم دیوان و شهره دیوانیان. معهداً قدرت دیوان محدود و بسته الزاماتی است که به همین سبب دیوان پیوسته کامیاب اهداف اصلی نمی شود، زیرا بعد و ابعاد غیرمادی اداره ملک و مردمان نیز در گرو معانی و معتقدات و باورها هم هست. ناصر خسرو دیوان را ابزاری برای وصول به عدالت اجتماعی و عدالت را شعله امید جامعه می دید. او شاهد عینی داد و بیدادهای روزانه دیوان بود و بیداد را بر نمی تابید. پس متوجه نقص های معنوی شد و می دید که نقایص امور دیوانی ریشه در نقص باورها دارد و حفره روانی نابوریها را نمی توان با لفاظی ها پر کرد. پس به تأمل گرائید و این تأمل را لازم داشت تا تدارک تازه در جهد دیوانی کند و این مهم را با تدبیر زیارت کعبه به عمل در آورد. ناصر خسرو هفت سال به بهانه سفر اندیشید و به بهانه اندیشیدن نوشت و یادداشت کرد.

ناصر خسرو مردی بود ذاتاً برانگیخته و حساس به امر رهبری. او کنجکاو و فنی و علمی بسیار داشت ولی همه اینها در هاله فلسفه و حکمت زمان، دو نهفته پیچیده و ملفوف بود جز اینکه خط کلی باور دینی او به هر حال او را قوی تر از هر چیز به خود می کشانید و این جاذبه در او پیوسته عمل می کرد. نارضایتی باطنی او ریشه در کمال جویی او دارد به همین دلیل با وجود نفوذ دیوانی و شهرت به صحت ارتام و دقت ادبی او و امیدها که به فردای او می رفت از آن همه افرات که در قدرت خام دیوان و سلاطین بود و از آن همه رنگ و لعاب مداحان به ستوه بود. او سایه ظلم و تملق و اجحافات را همه جا می دید و توسل به دو سلاح ادب و ایمان را ضرور می شناخت. اولی را از جوانی داشت و دومی را می جست. سفرنامه او شاهد این جست و جوست. به امید بود که روزی مفید ملک و ملک افتاد.

در سفرنامه اش ناصر خسرو مشاهده گری است عمیق که موضوعات به

هم آنها را رد نکرده است. آثار تاریخی رومیان را در سوریه بزرگ و لبنان امروز و نیز در فلسطین دپروز، با اعجاب و اختصار یادداشت می کند ولی اکراه دارد از تمدن رومیان و فرهنگ آنها سخن گوید، گویی آنها را نمی شناسد. همچنین است در باره اثر تمدن و فرهنگ یونانی در اسکندریه که چراغ دریایی آنرا با وضعی مرموز می نویسد ولی رد پای تمدن غیراسلامی را نمی گیرد این همان اهمالی است که در باب اثر فرهنگ پارتی در ماوراءالنهر دارد. هیچ جا را با هیچ جا مقایسه نمی کند. مگر آنکه ربطی با قدرت و دینار یا با حکمت و ایمان داشته باشد.

ناصر خسرو مرد ایمان است. هیچ از وصف کعبه و مراسم حج مضایقه ندارد. ناجوری ها و هتک حرمت ها را در اماکن مقدس اشاره می کند و به ملامت نمی پردازد. برای او راه به سمت تعالی باز است ولی شرط اول دریدن پرده جهل است و شرط دوم کف نفس. بی این دو هیچ انتظار نباید داشت که رستگاری فردی در کار باشد. چه رسد به فلاح اجتماعی و دیوانی.

ناصر خسرو نگاهی دارد بر توده مردم، بر عوام الناس. نگاه عاقل اندر سفيه، نمی بخشد. حتی تحقیر هم در ذهن دارد، نه تنها بقال هرزویل بلکه طلبه متوسط حالی چون استاد علی نسایی که در جوانی لقب استادی به سمت معلمی به خود داده است همه در این مسیراند و نیز قطران را با آنهمه مقام که

در شعر دارد چون فارسی روان خراسانی را نتواند سخن گفتن، بی شجاعت نمی گذارد. و وای بر آن عرب که می خواست نزد او عربی بیاموزد و قادر به تجوید کلمات عرب نبود. اما انتخاب سوره الناس و سیله ناصر خسرو با توجه به محتوای این سوره خالی از حکمت نیست و تحسین انگیز است. شهرت فضل ابوالعلائی معری و نیز ثروت او را باز می شناسد ولی به دیدن او نمی رود و به گویند و شنند بس می کند که مشام او از عطر سالوس و طامات دچار وازدگی است.

ناصر خسرو مرد ادب است. صاحب قلم است. هم بدین قلم است و هم بدین پایه ادب پارسی است که همگان را می آزماید. هر جا عرصه زندگی بر او تنگ شود به کلک افسونگر و نثر متعالی خود متوسل می شود تا توجه و احترام صاحب قدرت یا عالم پر حشمت را جلب کرده، جان از خطر وادی و رنج بی نوایی در برد. درین کار همیشه موفقیت با او است. زیرا که نبض دیوان و انگاره های ایوان را می شناسد. انتخاب واژه با او است و واژه مومی است در دست او. برای تقرب همیشه در کمین بر خوردها و جستن آشنایی به تصادف است و درین باب پیروزی در انتهای راه او است زیرا منش اطرافیان قدرت و روش مصاحبه با دیوانیان را در ضمیر دیوانی خود دارد.

ناصر خسرو نبردی بی امان دارد با آنها که فضل و ادب خود را وقف ثنای قدرتمندان می کنند. او تحسین از ملوک مصر را پای ایمان خود می نهد و امنیت سرزمین آنها را زاده ایمان و سخت گیری بر خلفکاران می داند ولی وقتی ایمان خود را در سرزمین همیشگی خود در وطن خود مطرح می کند، با چنان سدی از قدرت ستایان و متعصبان روبرو می شود که ناگزیر خویشتن را به انزوا کشانده و تیغ سخن و ملامت و به درازای خراسان بر می کشد. درین نبرد ناصر خسرو برای ابد یعنی در طول تاریخ بشری پیروز است هر چند به ظاهر منزوی و غریب می ماند. برای فهم این ناصر خسرو مبارز لازم است روشنفکران، هنرمندان مجذوب و مرعوب استالین و بعد او مائو را به یاد آوریم (پابلو نرودا که می گفت لیخند استالین صلح جهان را تضمین می کند و آراگون که پارا بالاتر از این ها نهاد) تارزش های والا بر کار و دیدگاه دیوانی و ایمانی ناصر خسرو باز شناخته شود. او گروه مداحان هرانی و خراسانی را فریفتگان و فریب دهندگان قدرت دیوان و سلطان وقت می نامد و تکرار می کند که به هر حال شما اهل فضل اید و می پرسد چرا سخن را چنین بها دهید و می گوید دیوانی فاضل راه گشاید بر سلطان پس داد کند و دیوانی تهی از فضل چاره جز تعظیم ندارد.

ناصر خسرو در دایره دیوان و ایمان است اما سرگشته نیست و انتخاب خود را کرده است که اگر دیوان بر ایمان نگردد ایمان می ماند و دیوان فرو می ریزد. حقیقت امر جامعه تنها از طریق گزارش های شفاف دیوانیان بر سلطان واقف می شود و اگر سلطان نپذیرد از تدبیر به جهت قدرت و امی ماند پس باید مقاومت کرد و نه وسوسه داشت.

در تاریخ ایران بسیار از وزرای اندیشمند درس ناصر خسرو و موضع ایمانی و سیای و دیوانی سیاسی او را گرفتند. گاهی سوختند و گاه نیز بر و

مشاوره، طراحی، اجرا

شرکت تاسیساتی گازرسانی

هیمنه رنگین

به مدیریت زندگی

تاسیسات مکانیکی، لوله کشی گاز صنعتی

لوله کشی داخلی ساختمان

تلفن: ۰۵۱۲۲۱۶۱۱۰۵

متعلق به هیچکس نیست و هیچکس را بر آن حقی جز حرمت زندگی نمی باشد.

می توان سکوت کرد. می توان گرد و غبار تردید بر امور یقین پاشید. می شود به بهانه صله و جوایز بی شمار امروزی سر در فراغت نهاد. می توان طامات بافت و حتی می توان مثل آمیب ها حرکتی به سمت مانده های زمینی داشت ولی از جهت گیری و بروز استقامت پرهیز کرد و نیز به بهانه صیانت نفس، تزییع نفوس نمود که شرم صاحبان قلم و منادیان حرمت و حقوق بشر است.

بعد آن دو جنگ بزرگ که روی همه خرده جنگ های پیشین را سفید کردند، بعد آن دهشت ها که گور نسل ها را کند، بعد آن همه تجربه در تعصیب و تعصبات جهان را به تیرگی های تازه سپردن و دیوان ها را تهی از ایمان کردن ننگی است ناستردنی و صاحبان فکر را وظیفه ای در ایستادگی سالم و نیز در برکشیدن ارزش هایی که ناصر خسرو منادی و عامل آن شد. سخن تنها وسیله مبارزه با نفرت های موجود است به شرط آنکه صاحب سخن را بر ارزش های ناشی از اخلاق سیاسی ایمانی باشد.

میراث سنن ناصر خسرو به ما رسیده است، باید آنرا پروراند و پرواز کرد و به نسل ها سپرد. چنین باد

منابع: در دفتر مجله موجود است

بلند ساختند. بزرگمهر، حسن میمندی، برمکی ها، طوسی، نظام الملک، سید و طواط قائم مقام فراهانی، امیر کبیر و محمدعلی فروغی از آن جمله اند. که در این جا دسته بندی نمی شوند. ایمان روشنفکران عصر ما یعنی عصر بعد کمونیسیم باید که به زیور ارزش های والای ناشی از مقاومت سالم ناصر خسرو آراسته شود. در کار او نکته ای هست که بعد از سفر هفت ساله رغبتی شایان به کار دیوان ابراز نمی کند و نیروی ایمان را برابر قدرت دیوان می نهد. فشار قدرت حاکم به حجت و داعی افزون می شود و به تبع آن فشار اوبا و شعرا و فضلالی مدیحه سرا و ملامتگران نیز جنگ با غیر یابد در او بدل به جنگ با مداحان می شود که رسانه نظام و پایگاه تبلیغ شخص سلطان بودند و شراب و صله، دید مردمی آنها را بسته بود. با این همه ایمان او می ماند در محدوده او. ولی به بهانه صفت ایمان زبان پارسی ستون مقاومت ایرانیان برکشیده تر می شود. کدام مرد مقاوم سیاسی را می شناسید که در سخن به ناصر خسرو تکیه نکند؟ او مقاومت را سامان داد. عزلت او از پاکدستی اوست به حال دنیا و پاک چشمی اوست به ظواهر زیبایی. ناصر خسرو در شعر، روزه جمال پرستی می گیرد به سود کمال معامله می کند. اینجاست که همه بر او درود می کنند.

محیط جغرافیایی ناصر خسرو در باد سرد خوارزمی و تشخیص فصول و مهاجرات و مهاجرت ها و قدرت تجاری و دیوانی افراطی خلاصه می شود. در این محیط شیرینی کلام، سخن در و استقامت در بلا پاداشی گرانبهاست. درین استقامت خرد همیشه اوج می گیرد و زمینه های فرهنگ چون و چرائی فراهم مردان تجارت و عالمان است. این بر اندیشمندان است که دائماً ارزش های ایمانی را در دیوان رسوخ دهند و بر دیوانیان است که تعادل نگهدارند، تا مردمان امیدوار زندگی باشند و چراغ علم در دیوان قدرت بسوزد. در جهان امروز که صفوف آز سرمایه و سود آنی مقابل سد سدید تعصبات دینی آراسته شده است توسل به اخلاق سیاسی و سنن ناصری خالی از اعتبار نیست. همه رسانه ها از صوتی و سیمانی و کلیه اجتماعات از ساده ترین و مردمی ترین تاریخی ترین اعم از محلی و کشوری و جهانی در بند و بسته به قلم و طرح سخن اند. پس روشنفکران و اصحاب فکر و قلم را رسالتی تازه ولی عمیق و درازمدت روبروست که بر اثر آن از اصطکاک قدرت های برآمده از ترقیات فنی به نفع امتزاجات فرهنگی و تعالی اخلاقی و رفاه مردمان جلو گرفت.

شرایطی که ناصر خسرو با آن گلاویز بود روبروی ماست او مقابل قدرت بی حصر ملوک و برابر خیل فریب دهندگان بود. امروز نیز ما در برابر قدرت افسانه ای تکنولوژی های پیشرفته و خیل رسانه های لون به لون هستیم. ناصر خسرو را کژدم غربت و فقر و عزلت می خورد و ما را نیز وجدان بیدار و آگاهی قطعی بر فقر مرکب و آلودگیهای فاحش می خورد. عقبی را نمی دانم ولی می توانیم بگوئیم و بنویسیم و گزارش و پخش کنیم که دنیايمان در خطر است. نفی زندگی معمول قدرت های کور برآمده از تکنولوژی پیشرفته شده است. این ایمان است که باید به دفاع حال و آینده برخیزد، که کره زمین از آن همه و

شرکت تولیدی و مهندسی



حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

* دارای تاییدیه نقشه ساخت دبگ بخار و آب داغ از TÜV اتریش *

تولید کننده :

دبگ بخار فبرتر شنی

دبگ آب داغ و آب گرم سی انکالبر

دی اریتور فلاش تانگ بخار

سختی گیر جداکننده آب از بخار

منجم کویل دار جدا کننده هوا از آب

مبدل حرارتی منجم کنمانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۲، صندوق پستی: ۱۵۸۲۵-۵۲۷۱

تلفن: ۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۶۰۴۵۳۱